

به نام خدا و با سلام خدمت جناب مولانا، آقای شهبازی و همه دوستان.

ایبائی بیدارکننده از برنامه ۱۰۰۰ گنج حضور.

عَلْتی بتر ز پندارِ کمال
نیست اندر جان تو، ای ذودلال
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت (۳۲۱۴)

-ذودلال: صاحبِ ناز و کرشمه

انسانی که هنوز پندار کمال دارد، هنوز می‌دانم می‌داند، هنوز نظر می‌دهد و روی نظرات خودش پافشاری می‌کند و همه را نصیحت می‌کند و کنترل می‌کند و روی تعصبات و باورهای خود برای دیگران پافشاری می‌کند و مدام قهر می‌کند و به او برمی‌خورد و توقع دارد، خودش و اطرافیان را دچار درد و رنجش و جر و بحث و ستیزه می‌کند و این پدیده، یعنی پندار کمال را باید با تسلیم به زندگی سپرد تا به جای این عقل ستیزه‌گر و پُر درد، عقل خدا و زندگی که سبک‌بال و شاد و باگذشت است را دریافت کنیم.

کرده حق ناموس را صد من خداید
ای بسی بسته به بند ناپدید
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت (۳۲۴۰)

-ناموس: خودبینی، تکبر، حیثیت بدلی من‌ذهنی
-خداید: آهن

پندار کمال و غرور و تعصب و می‌دانم می‌دانم، مثال تیرآهنی و یا وزنه‌ای آهنین و سنگین است که ما را از حرکت حقیقی و رشد و شادی بی‌سبب باز می‌دارد، اما وقتی این را درک کنیم در هر شرایط و موقعیت و امتحانی، سکوت و نمی‌دانم و توکل صد درصد را به کار می‌بندیم تا زندگی و خدا ما را هدایت کند نه من‌ذهنی سنگین و پُر از درد و رنجش.

در تگ جو هست سرگین، ای فقی
گرچه جو صافی نماید مر تو را
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت (۳۲۱۹)

-تگ: ته و بُن
-فقی: جوان، جوان‌مرد

انسانی که تعهد محکم به تغییر کردن دارد و در مسیر حقیقی زنده شدن به زندگی قدم برمی‌دارد، متوجه شده که گول من‌ذهنی را نخورد، مثلاً پیش خودش فکر نکند که خیلی معنوی است و دیگران را باید نصیحت کند، کوچک کند، عیب‌های آن‌ها را فاش کند، ایراد بگیرد و با دانش معنوی خودنمایی کند و پُرحرفی کند. در ته خود منی که پنج ساله گنج حضور می‌بینم هنوز گاهی حسادت، خشم، کینه، طمع، ولع، کم‌بینی، شکایت، دلهره، اضطراب، خرید بی‌دلیل و عجله دیده میشه، هنوز من‌ذهنی بالا میاد و خودی نشون میده، هنوز اژدهای قضاوت‌گر و غیبت‌کن و

نفاق انداز بیرون میاد، پس ادعای معنوی بودن برای دیگران، خود نشان از من‌ذهنی و پندار کمال است که ما را گول می‌زند و فقط روی سطح آب را نشان می‌دهد و نمی‌گذارد اعماق را ببینیم.

حُکم حق گُسترد بهر ما بِساط
که بگویند از طریقِ اِنِساط
- (مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۲۶۷۰)

- بِساط: هر چیز گسترده‌ای مانند فرش و سفره

اشکالی نداره اگر هیجاناتی مثل حسادت و کینه و خشم و کم‌بینی و طمع در ما بالا میاد، اما اگر بالا میاد از خود توقع معنوی بودن و کامل بودن نداشتن مهمه، فضا را باز کردن و سکوت کردن و درد هشیارانه کشیدن و صبر کردن مهمه. فضاگشایی و پرهیز را زندگی به همهٔ انسان‌ها داده، پس از آن استفاده کنیم تا زندگی بتواند ما را هدایت کند و به خودش زنده کند.

با سپاس از همه
علی از تهران